

## رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

مریم تقوایی یزدی

گروه مدیریت آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

m\_taghvaeeyazi@yahoo.com

### چکیده

**مقدمه و هدف پژوهش:** پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری انجام شد که مولفه‌های هوش عاطفی شامل خود آگاهی، خود نظم دهی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی و مولفه‌های هوش فرهنگی شامل استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار بود.

**روش پژوهش:** توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ که تعداد آن‌ها برابر ۹۷۵۸ نفر بود. جهت انتخاب حجم نمونه به جدول کرجسی و مورگان مراجعه شد و تعداد نمونه برابر ۳۷۰ نفر بدست آمد که جهت انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای استفاده شد. ابزار اندازه گیری پرسشنامه‌های استاندارد هوش هیجانی بار- آن (۱۹۸۰)، هوش فرهنگی ون داین و آنگ (۲۰۰۴) و کیفیت زندگی شریون (۱۹۹۲) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون) از طریق برنامه نرم‌افزاری SPSS 19 استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه معنادار مثبت بین هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد. همچنین، رابطه معنادار مثبت بین مولفه‌های هوش عاطفی یعنی خود آگاهی، خودنظم دهی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد. همچنین، رابطه معنادار مثبت بین مولفه‌های هوش فرهنگی یعنی استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد.

**نتیجه گیری:** بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین مولفه‌های هوش عاطفی (خود آگاهی، خودنظم دهی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی) و مولفه‌های هوش فرهنگی (استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار) با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه معناداری وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** هوش عاطفی، هوش فرهنگی و کیفیت زندگی

## مقدمه

آن زندگی می‌کنند و ارتباطی که این عوامل با انتظارات، اهداف، معیارها و علایق شخصی آنها دارند. ارتباطی که نزدیکی زیادی با وضعیت جسمی، روانی، اعتقادات شخصی، میزان خودکفایی، ارتباطات اجتماعی و محیط زیست دارد (سلطانی شال و همکاران ۱۳۹۰). پژوهش حاضر درصدد تعیین رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری است.

## بیان مسأله

«هوش عاطفی» جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط میان تعقل و احساسات است. علیرغم دیدگاه‌های اولیه، نگاه واقع‌بینانه به ماهیت انسان، نشان می‌دهد که انسان نه منطقی صرف است و نه عاطفه (احساس) صرف، بلکه ترکیبی از هر دو می‌باشد، بنابراین، توانایی شخص برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت‌های عاطفی و منطقی وی وابسته است. (تاجی ۱۳۸۶)

«هوش فرهنگی»، حوزه مدرنی از هوشمندی است که امکان میانجی‌گری در فضاهای کاری متنوع و متغیر را مطرح می‌کند. برخی از جنبه‌های فرهنگی مساله، کاملاً قابل دیدن است و آشکارا می‌توان این هوشمندی را در نحوه برخورد برخی از افراد و در رفتارهایی که انجام می‌دهند، مشاهده کرد. در هر حال فهم بیشتر موقعیاتها و بخش‌های چالش برانگیز فرهنگ با عقاید، ارزش‌ها، انتظارات، نگرش‌ها و مفروضه‌هایی که به طور آشکارا یا نهان قابل مشاهده و ارزیابی هستند، مرتبط اند (بردبار و کنجکاو منفرد ۱۳۹۰). در عین حال کسی که دارای هوش فرهنگی بالایی است این آمادگی را دارد که اختلاف فرهنگی را درک نموده و با قدرت در این عرصه که پر از تفاوت‌های بی‌شمار است، فعالیت نماید. بنابراین هوش فرهنگی به افراد

امروزه علم، به قدرت و نفوذ هیجان‌های ذهنی انسان پی برده است و در حال کشف و تبیین جایگاه هیجان‌ها و احساس‌ها در فعالیت‌ها، رفتارها، حرکت‌ها و شخصیت انسانی است. در حوزه مطالعه‌های هوش نیز سیر مطالعه‌ها از هوش منطقی که بر پایه شناخت استوار است، به سمت هوش هیجانی حرکت می‌کند (مختاری‌پور و سیادت ۱۳۸۴). مفهوم هوش هیجانی (عاطفی) از سال ۱۹۹۰ وارد ادبیات روان‌شناسی شده است (مایر و اسپورمن<sup>۱</sup> ۱۹۹۲) و عبارت است از توانایی درک و مهار هیجان‌ها و احساسات خود در جهت کمک به فعالیت‌های فکری، تصمیم‌گیری و ارتباطی (گلمن<sup>۲</sup> ۱۹۹۸). علاوه بر هوش متداول عقلانی و هوش عاطفی که همواره مورد تأکید صاحب‌نظران علم مدیریت و رهبری بوده است، رهبران هزاره سوم برای هدایت پیچیدگی‌های نوین محیط‌های جهانی نیازمند هوش دیگری نیز هستند که از آن به «هوش فرهنگی» تعبیر می‌شود (چون‌شنگ و همکاران<sup>۳</sup> ۲۰۰۶).

«کیفیت زندگی» از مهمترین مؤلفه‌های مفهوم کلی بهداشت جهانی محسوب می‌شود. به گونه‌ای که امروزه برای تعیین نیازهای حیطة سلامت و ارتقای سطح سلامتی افراد، کیفیت زندگی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهند. در دهه اخیر ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی حیطة‌های مختلف از جمله خدمات پزشکی، خدمات روانی اجتماعی، خدمات آموزشی و کار درمان‌گران متداول شده است. آگاهی از اهمیت ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی افراد در بافت‌های گوناگون، خبر از تغییر جهتی می‌دهد که مسیر آن از رهیافت صرفاً طبی و پزشکی به رهیافت نوین‌تر زیستی-روانی-اجتماعی است (کرمان‌ساروی و همکاران ۱۳۸۸). بنابراین، «کیفیت زندگی» عبارت است از ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگی شان، بر اساس ساختار فرهنگی و نظام ارزشی موقعیتی که در

کمک می کند که به نحو موثرتری تفاوت‌های درون و بین فرهنگی را کنترل و مدیریت نمایند (تان<sup>۴</sup> ۲۰۰۴).

«کیفیت زندگی» ابعاد مختلف زندگی انسان را در بر می‌گیرد و شامل دو بعد عینی و ذهنی زندگی انسان می‌گردد که در واقع خود هفت وجه از زندگی فرد را شامل بهزیستی مادی، سلامتی، بهره‌وری، امنیت، صمیمیت، بهزیستی عاطفی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. کیفیت زندگی را می‌توان رابط بین وضعیت سلامت شخص از یک سو و توانایی در دنبال کردن اهداف زندگی از سوی دیگر دانست. در واقع انسان‌ها همواره در جستجوی راه‌هایی برای افزایش کیفیت زندگی بوده‌اند. بنابراین، برآورده نشدن نیازها و اولویت‌های اساسی انسان، نقش مهمی در کیفیت زندگی وی دارد (سبحانی شه‌میرزادی ۱۳۹۰).  
فو<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) «کیفیت زندگی» را در بسیاری موارد با دو مجموعه از شاخص‌های عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شاخص‌های ذهنی از طریق سنجش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایتمندی شه‌روندان از محیط زندگی شهری استخراج شده در حالی که شاخص‌های عینی مرتبط با حقایق قابل مشاهده است که در بسیاری موارد در چارچوب داده‌های ثانوی قابل استخراج است (کرمان‌ساروی و همکاران ۱۳۸۸).

دانشجویان از اقشار مستعد و برگزیده جامعه و سازندگان آینده کشور خویش هستند و سطح سلامت و کیفیت زندگی آنها تأثیر بسزایی در یادگیری و افزایش آگاهی علمی و موفقیت‌های تحصیلی شان خواهد داشت، بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که مسایل بهداشت و جنبه‌های شناختی، عاطفی و روانی این قشر عظیم، جدی تلقی شده و مورد رسیدگی قرار گیرد. هر چند در سال‌های اخیر در مورد تأثیر هوش عاطفی مطالعات متعددی انجام پذیرفته و در این مورد پیشرفت‌های مناسبی به دست آمده است اما، با این وجود برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر در زمینه هوش

عاطفی و هوش فرهنگی و ارتباط هر یک با کیفیت زندگی، به بررسی و پژوهش‌های بیشتری نیاز است تا بتوان بر اساس نتایج حاصل از آن‌ها به نظریه‌ای جامع-تر در این مورد دست یافت. با عنایت به موارد مطرح شده، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد؟

### اهمیت و ضرورت پژوهش

تاکنون درباره سنجش هوش هیجانی و ابعاد آن و ارتباط آن با دیگر متغیرها، پژوهش‌های زیادی انجام شده است، به عنوان مثال سیوناتان و فکن<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، به بررسی رابطه بین رهبری و هوش هیجانی، لنگهورن<sup>۷</sup> (۲۰۰۴)، به بررسی رابطه‌ی بین عملکرد مدیران و هوش هیجانی، اسکات و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۰۷)، بررسی هوش هیجانی با سلامت روانی، گاردنر و کوالتر<sup>۹</sup> (۲۰۰۹)، بررسی ارتباط بین هوش هیجانی با عشق بین زوج‌های جوان و کافتسیوس و زامپتکیس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸)، بررسی ارتباط بین هوش هیجانی با رضایت شغلی و غیره پرداخته‌اند. اما در رابطه با بررسی ارتباط هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان، که عرصه مطالعاتی جدید و موضوعی نوین چه از منظر هوش عاطفی و هوش فرهنگی و چه از دیدگاه کیفیت زندگی است، مطالعه و پژوهش‌های زیادی انجام نشده است و یا دست کم همه جنبه‌های موضوع مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا با توجه به اینکه بین هوش عاطفی و عملکرد مؤثر در تطابق با شرایط روزمره زندگی، پیوندی وجود دارد (بار- آن ۲۰۰۰)، هوش هیجانی و هوش فرهنگی عامل مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در برآیندهای زندگی واقعی، مانند موفقیت در شغل و

روابط بین شخصی است. از این رو در این پژوهش تلاش شده است تا به اکتشاف جنبه‌هایی از حقیقت پرداخته و این موضوع در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری بررسی شود.

شناخت این مورد از چند لحاظ اهمیت دارد؛ از لحاظ نظری موجب افزایش دامنه علم در این حیطه خواهد شد. با توجه به اینکه در این زمینه و در جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، مطالعه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است، از لحاظ کاربردی در صورت وجود تفاوت‌های آشکار در ظرفیت‌های هوش عاطفی و هوش فرهنگی در بین دانشجویان دوره‌های مختلف تحصیلی، با انجام برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت کم کردن کاستی‌ها می‌توان از بروز و شیوع مشکلات جلوگیری کرد. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده دانشجویان، مسئولان و دست‌اندرکاران، آموزش و پرورش و آموزش عالی و پژوهشگران علاقمند در این زمینه برای بررسی بیشتر، قرار گیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری بوده و اهداف فرعی شامل: تعیین رابطه هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان، تعیین رابطه هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان، تعیین رابطه هوش عاطفی و تعیین رابطه مؤلفه‌های هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری می‌باشد.

#### ادبیات و پیشینه پژوهش

به نظر گلמן (۱۹۹۸) «هوش هیجانی» شیوه استفاده بهتر از هوش‌بهر را از طریق خودکنترلی، اشتیاق، پشتکار و خودانگیزی شکل می‌دهد. از نظر او هوش هیجانی نوع دیگری از هوشمندی است که به عنوان مثال به ما نمی‌گوید در طول دوران تحصیل چه

نمره‌ای گرفته‌اید، بلکه بیشتر به این نکته می‌پردازد که تا چه اندازه می‌توانیم احساسات و ارتباطات خود را کنترل کنیم. به نظر او افراد برای فائق شدن بر چالش‌ها باید مؤلفه‌های هوش هیجانی را در خود پرورش دهند، این مؤلفه‌ها عبارتند از: «خودآگاهی، خودکنترلی یا مدیریت خود، همدلی، مهارت‌های اجتماعی و خودانگیزی» (مایر و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۰).

الف) **خودآگاهی**<sup>۱۳</sup>: یعنی احساسات، قبول آن‌ها، مشاهده خویش یا خویش‌نگری، نگرش بی‌طرفانه نسبت به حالات درونی خود، شناخت نقاط ضعف و قوت خود، اعتماد به نفس (مومچی ۱۳۸۸).  
ب) **خودکنترلی (مدیریت خود)**<sup>۱۴</sup>: خودکنترلی و احاطه بر خود یعنی مدیریت هیجان‌های خود، توانایی بازیافت هیجان پس از یک صدمه هیجانی، توانایی برای عمل و نه برای واکنش، ثبات در رفتارها در همه موقعیت‌ها، احساس مسئولیت در کار، انعطاف در برابر تغییرات، استقبال از نظرات جدید (رقیبی ۱۳۸۷).  
ج) **همدلی**<sup>۱۵</sup>: یعنی کنار آمدن راحت با دیگران، درک دیگران، آگاهی و ارزش گذاشتن به نیازهای سایرین، شوق داشتن برای خدمت کردن، مفید بودن، توان درک و قبول دگراندیشی، سیاست‌مداری (ترابی ۱۳۸۲، ۳۲).  
د) **مهارت‌های اجتماعی**<sup>۱۶</sup>: ظرفیت‌های انسانی (مهارت‌های اجتماعی) یعنی کنترل دقیق هیجان‌ها، خود، واکنش مناسب، قانع‌سازی، درک تفاوت‌ها، کارگروهی، توان گفتگو، ارتباط شفاف، میانجی‌گری، توان برقراری ارتباط (ترابی ۱۳۸۲، ۵۸).  
ه) **خودانگیزی**<sup>۱۷</sup>: خودانگیزی یعنی پیگیری اهداف، ابتکار عمل، کارآمدگردانی خود، کمال‌طلبی، خوش‌بینی (رقیبی ۱۳۸۷، ۸۹).

تحقیقات نشان داد که تفاوت‌های بین فرهنگ‌های ملی یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده نوع رفتار می‌باشد. بسیاری از محققان «هوش فرهنگی» را توانایی فرد برای انجام وظیفه به طور اثربخش در موقعیت‌های متفاوت

فرهنگی می‌دانند (انگ و همکاران، ۲۰۰۵؛ ارلی و انگ، ۲۰۰۳؛ ارلی و موساکفسکی<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۵). عده‌ای این نوع از هوش را یک نوع شایستگی چندوجهی می‌دانند که شامل دانش فرهنگی، عمل به صورت متفکرانه و فهرستی از مهارت‌های رفتاری می‌باشد (توماس و اینکسون<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۴). چارچوب هوش فرهنگی برای اولین بار، به گونه‌ای بین رشته‌ای توسط جمعی از دانشمندان معرفی شد (ارلی و انگ ۲۰۰۳؛ انجی و ارلی<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۶؛ توماس و اینکسون<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۴).

طباطبایی مزدآبادی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "بررسی نقش هوش هیجانی و هوش فرهنگی در گرایش به تحول سازمانی" انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی و ابعاد آن (خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت اجتماعی) با گرایش به تحول سازمانی، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و از بین ابعاد هوش هیجانی، خودتنظیمی و خودبرانگیختگی، از قدرت بیشتری برای گرایش به تحول سازمانی برخوردار هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین هوش فرهنگی و ابعاد آن (فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری) با گرایش به تحول سازمانی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و از بین ابعاد هوش فرهنگی، هوش فرهنگی شناختی و رفتاری توانایی پیش‌بینی گرایش به تحول سازمانی را دارند. کروی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه هوش فرهنگی و هوش عاطفی راهنمایان توره‌های خارجی شهر تهران» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هوش فرهنگی راهنمایان تورها در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر مثبت و معناداری بر میزان هوش عاطفی آنان دارد. همچنین آزمون فرضیه با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری بیانگر وجود رابطه علی میان هوش فرهنگی و هوش عاطفی در بین راهنمایان تورها می‌باشد و ۳۱ درصد از نوسانات هوش عاطفی راهنمایان تورها را

می‌توان صرفاً با استفاده از متغیر هوش فرهنگی تبیین کرد. بنابراین با بهبود هوش فرهنگی راهنمایان تورها، هوش عاطفی آنان افزایش می‌یابد. راهنمایی که از این دو مولفه هوشی بهره‌مند است، به عنوان نماینده گروه گردشگرانی که به یک مقصد می‌روند، می‌تواند به بهبود ارتباط میان گردشگران و جامعه میزبان کمک کند. حمید و زمستانی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان رابطه هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که میان هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی روابط چندگانه و مثبت وجود دارد. هوش معنوی بیشترین رابطه مثبت را با کیفیت زندگی دارد. همچنین روان‌دگرایی بیشترین رابطه منفی را با کیفیت زندگی دارد. ویژگی‌های شخصیتی روان‌نزدگرایی، دلپذیر بودن و وجدان‌گرایی به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین کیفیت زندگی دارند. میان هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی روابط چندگانه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. رضانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان ارتباط بین هوش هیجانی، آمادگی جسمانی و کیفیت زندگی دانشجویان را انجام داده‌اند. نتایج نشان داد وضعیت کلی نمره میانگین کیفیت زندگی دانشجویان با توجه به نمره شاخص (۱۰۰) متوسط (۷۱-۶۸) است و در این رابطه کیفیت زندگی دختران، پایین‌تر از پسران است. همچنین، نمره میانگین هوش هیجانی پسران، بالاتر از دختران است و دختران از قابلیت جسمانی پایین‌تری نسبت به پسران برخوردارند. نهایتاً نتایج نشان داد آمادگی جسمانی ( $\beta = 0/268$ ) و هوش هیجانی ( $\beta = 0/278$ )، قابلیت پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان را دارد. به نظر می‌رسد اجرای فوق برنامه‌های متنوع، همچون فعالیت‌های منظم ورزشی و تفریحی در اداره تربیت بدنی همچنین برپایی کارگاه‌های مشاوره‌ای از طرف مرکز مشاوره، در بهبود

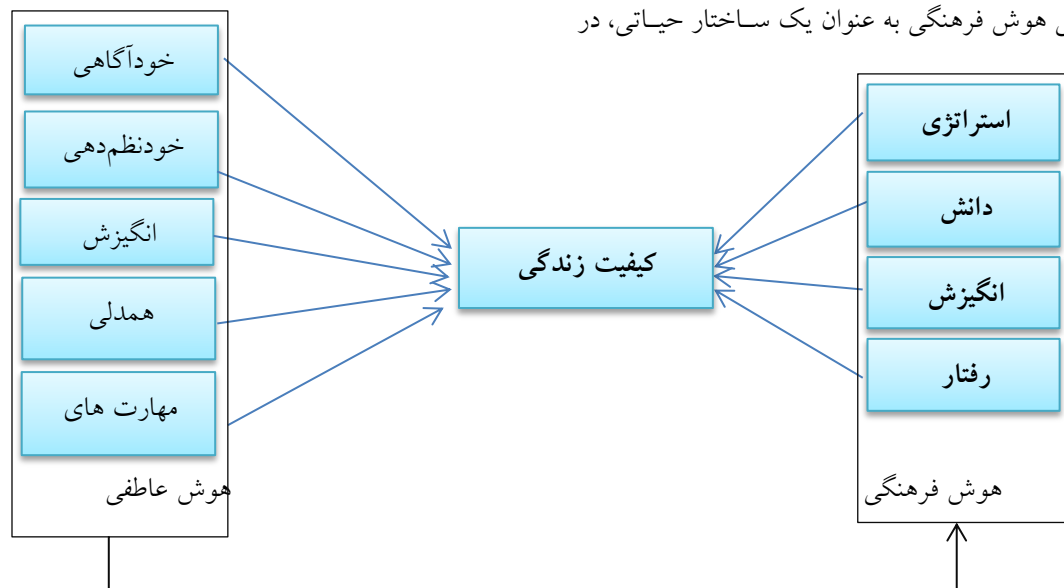
مطالعه: شعب بانک اقتصاد نوین استان تهران» پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بین هوش فرهنگی و عملکرد وظیفه‌ای مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در بررسی روابط بین ابعاد چهارگانه هوش فرهنگی، نتایج حاکی از رابطه معنی‌دار بین بعد استراتژی هوش فرهنگی با بعد رفتار و انگیزش هوش فرهنگی است. همچنین مشخص شد تأثیرگذاری هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه‌ای برخاسته از ابعاد دانش و رفتار هوش فرهنگی است. راک استال و همکاران<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۱) در تحقیقات خود دریافتند که هوش عاطفی پیش بین قوی‌تری برای رهبری بومی اثربخش است و از سوی دیگر، هوش فرهنگی برای رهبری برون مرزی اثربخش پیش‌بین مطمئن‌تری است. به طور کل نتایج نشان می‌دهد که در فضای جهانی شده‌ی امروز، هوش فرهنگی یکی از شایستگی‌های رهبری کلیدی به حساب می‌آید. مون<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۰) معتقد است که برخلاف اختصاصات فرهنگی هوش عاطفی، این مفهوم با هوش فرهنگی فرق دارد، زیرا هوش فرهنگی بر توانایی‌ها در تعاملات بین فرهنگی تمرکز دارد، ویژگی‌ای که در هوش عاطفی لحاظ نشده است. هوش عاطفی عموماً شامل اجزای مهارت‌های درون فردی و بین فردی می‌شود. برای مثال، توانایی فردی مانند خودآگاهی و خودکنترلی یک فرایند درون فردی هوش عاطفی است که تحت تأثیر هوش فرهنگی یک فرد قرار نمی‌گیرد؛ زیرا که این ویژگی با ابعاد فردی سر و کار دارد. از سویی دیگر، حوزه‌های توانایی اجتماعی هوش عاطفی مانند آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط، جزء مهارت‌های بین فردی هستند که ممکن است ارتباطی تنگاتنگ با هوش فرهنگی داشته باشند. از آنجایی که توانایی اجتماعی همچون آگاهی اجتماعی و مدیریت ارتباطات بازتاب‌دهنده‌ی توانایی فرد در برقراری ارتباط با احساسات افراد است، این عناصر هوش عاطفی می‌تواند ارتباط نزدیکی با هوش فرهنگی

کیفیت زندگی دانشجویان، به ویژه دختران، مناسب است. قره‌سفلو (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «رابطه هوش فرهنگی با عملکرد کارکنان دانشگاه» انجام داده است. نتایج نشان داد که بین هوش فرهنگی، هوش فرهنگی شناختی و هوش فرهنگی انگیزشی با عملکرد کارکنان رابطه مثبت و معناداری بدست آمد اما بین هوش فرهنگی رفتاری با عملکرد کارکنان رابطه معناداری مشاهده نشد. محرم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «ارتباط مولفه‌های پنج‌گانه هوش عاطفی و راهبردهای مدیریت تعارض در میان مدیران ادارات تربیت بدنی استان آذربایجان غربی» انجام دادند. نتایج نشان داد برای مدیران با توانمندی‌های زیاد در هوش عاطفی، راهبرد راه حل‌گرایی موثرترین راهبرد حل تعارض است. برای مدیرانی با آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی خوب، استفاده کمتر از راهبرد عدم مقابله مناسب است. حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شایستگی‌های هوش عاطفی، شناختی و اجتماعی در شایستگی‌های مدیران منابع انسانی بخش دولتی ایران» انجام دادند. نتایج نشان داد متغیر شایستگی برنامه‌ریزی و مدیریت دارای اولویت نخست و مهم‌ترین شاخص آن برنامه‌ریزی و سازماندهی امور کارکنان است. سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی «بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه گیلان» پرداختند. یافته‌ها نشان داد که کیفیت زندگی ۴ درصد دانشجویان بسیار مطلوب، ۳۴ درصد مطلوب، ۵۱ درصد متوسط و ۱۱ درصد نامطلوب بوده است. همچنین در ابعاد درد جسمانی، روابط محیطی، تأمین مالی، مراقبت‌های اجتماعی و عواطف منفی در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت‌های معناداری مشاهده شد که در همه ابعاد دانشجویان دختر وضعیت خوشایندتری گزارش کردند. رحیم‌نیا و مرتضوی (۱۳۸۹)، به بررسی «میزان تأثیر هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه‌ای مدیران (مورد

داشته باشد؛ چرا که هوش فرهنگی برای تعامل با افراد با زمینه‌های فرهنگی متفاوت ضروری است. ترونی الکساندر<sup>۲۴</sup> و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهش خود نتیجه گرفتند هوش عاطفی ویژگی‌ای ضروری برای مدیران است که به آن‌ها نشان می‌دهد چگونه به چالش‌هایی که با آن‌ها رو به رو هستند واکنش نشان دهند. همچنین بیان می‌کند که بدون هوش عاطفی طرح‌ها در نهایت به شکست منتهی شوند. این افراد ارتباطات، رهبری اثر بخش، مدیریت تعارض، مدیریت تغییر، سازگاری شخصیتی را حیاتی‌ترین مهارت‌های هوش عاطفی می‌دانند که مدیران برای موفقیت طرح‌ها و اجرای برنامه‌های مدیریتی به کار می‌برند. فابیو دیوید<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۰)، در تحقیق خود نتیجه گرفت که هوش عاطفی با سبک تصمیم‌گیری سازگار ارتباط مثبت معنی‌دار و با سبک تصمیم‌گیری ناسازگار ارتباط منفی معنی‌داری دارد (حاجی کریمی و همکاران ۱۳۹۰).

#### چارچوب نظری پژوهش

با توجه به مطالعات مبانی تئوریک در پیشینه تحقیقات انجام شده، پژوهشگر چارچوب نظری را در قالب نمودار زیر ترسیم نموده است (شکل ۲):



شکل ۲. چارچوب نظری پژوهش

چامپن<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهش خود در ایالت متحده نشان داد هوش عاطفی با راهبرد راه‌حل‌گرایی و راهبرد کنترل ارتباط معنی‌داری ندارد. همچنین راهبرد راه‌حل‌گرایی را راهبرد غالب مدیران اعلام کردند. ون دریل (۲۰۰۸)، در پژوهش خود به بررسی توسعه و سنجش کمی هوش فرهنگی به عنوان یک ساختار حیاتی، در

## روش پژوهش

مذکور توسط کارشناسان و صاحب نظران تأیید و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از پرسشنامه‌های هوش عاطفی، هوش فرهنگی و کیفیت زندگی به ترتیب برابر ۰/۸۸، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آماری شامل آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، نمودار ستونی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شده است و جهت آنالیز از نرم افزار Spss 19 استفاده گردید.

## یافته‌های پژوهش (آمار توصیفی داده‌ها)

## ۱- بررسی توصیفی دموگرافیک (جمعیت شناختی)

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به تعداد ۹۷۵۸ نفر می‌باشد. حجم نمونه آماری بر اساس جدول کرجسی و مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برابر ۳۷۰ نفر بدست آمد. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی که شامل سه پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی بار- آن (۱۹۸۰)، هوش فرهنگی ون داین و آنگ (۲۰۰۴) و کیفیت زندگی شربون (۱۹۹۲) می‌باشد، استفاده شده است. روایی محتوایی پرسشنامه‌های

جدول ۱: بررسی توزیع درصد فراوانی دموگرافیک (جمعیت شناختی)

درصد فراوانی	فراوانی	دموگرافیک (جمعیت شناختی)
۵۸	۲۱۴	جنسیت مرد
۴۲	۱۵۶	زن
۹	۳۴	۲۰ سال و کمتر
۵۸	۲۱۳	۲۱-۳۰ سال
۲۵	۹۳	۳۱-۴۰ سال
۷	۲۷	۴۱-۵۰ سال
۱	۳	۵۱ سال و بیشتر
۱	۵	کاردانی
۶۳	۲۳۳	کارشناسی
۳۵	۱۳۰	کارشناسی ارشد
۱	۲	دکتری
۳۷	۱۳۶	علوم انسانی
۵۳	۱۹۸	علوم پایه و فنی مهندسی
۱۰	۳۶	علوم پزشکی
۱۲	۴۶	روانشناسی
۱۵	۵۶	علوم تربیتی
۱	۳	ادبیات فارسی
۲	۶	علوم قرآنی
۳	۱۲	تربیت بدنی
۱	۲	ریاضی
۱۲	۴۵	برق



جدول ۱: بررسی توزیع درصد فراوانی دموگرافیک (جمعیت شناختی)

درصد فراوانی	فراوانی	دموگرافیک (جمعیت شناختی)
۱۱	۴۰	پرستاری
۳	۱۲	کشاورزی
۱۶	۶۰	مکانیک
۱۳	۵۰	کامپیوتر
۲	۶	فیزیک
۴	۱۴	معماری
۵	۱۸	علوم قضایی

## ۲- بررسی توصیفی مؤلفه‌های هوش هیجانی

جدول ۲: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مؤلفه‌های هوش هیجانی

مؤلفه‌ها	تعداد نمونه	میانگین نظری (نقطه برش)	میانگین نمونه	انحراف استاندارد
خود کنترلی	۳۷۰	۳	۲/۱۷	۱/۱۹
انگیزش	۳۷۰	۳	۱/۱۸	۱/۳۲
همدلی	۳۷۰	۳	۱/۲۸	۱/۵۳
خودآگاهی	۳۷۰	۳	۱/۱۸	۱/۳۲
مهارت‌های اجتماعی	۳۷۰	۳	۱/۲۸	۱/۵۳

که  $(\alpha < 0/01 = \text{Sig.} = 0/000)$ ، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد که مقدار این همبستگی  $0/52$  می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین  $(r^2 = 0/27)$ ، می‌توان گفت که ۲۷ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر هوش عاطفی می‌باشد.

آمار استنباطی داده‌ها (بررسی فرضیه‌های تحقیق) فرضیه ۱: بین هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد  $(\alpha = 0/01)$ ، داده‌ها قویا فرض صفر  $(H_0)$  را رد و فرضیه پژوهش  $(H_1)$  را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا

جدول ۳: بررسی همبستگی بین هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	کیفیت زندگی
	تعداد نمونه (n)	مقادیر محاسبه شده
	محاسباتی r	۳۷۰
هوش عاطفی	سطح معناداری (Sig.)	۰/۵۲۳
		۰/۰۰۰

جدول ۴: بررسی همبستگی بین هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان

کیفیت زندگی		متغیرها
مقادیر محاسبه شده	شاخص‌های آماری	
۳۷۰	تعداد نمونه (n)	
۰/۶۷۵	محاسباتی r	هوش فرهنگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig.)	

نمود رابطه معنادار مثبت بین خودآگاهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۵۳ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/28$ )، می‌توان گفت که ۲۸ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر خودآگاهی از مؤلفه‌های هوش عاطفی می‌باشد.

**فرضیه ۴: بین خودنظم‌دهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.**

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $\text{Sig.}=0/000=\alpha < 0/01$ )، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین خود نظم دهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۴۴ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/20$ )، می‌توان گفت که ۲۰ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر خودنظم‌دهی از مؤلفه‌های هوش عاطفی می‌باشد. (جدول ۶)

**فرضیه ۲: بین هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.**

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $\text{Sig.}=0/000=\alpha < 0/01$ )، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۶۸ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/46$ )، می‌توان گفت که ۴۶ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر هوش فرهنگی می‌باشد.

**فرضیه ۳: بین خودآگاهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.**

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $\text{Sig.}=0/000=\alpha < 0/01$ )، بنابراین می‌توان ادعا

جدول ۵: بررسی همبستگی بین خود آگاهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان

کیفیت زندگی		متغیرها
مقادیر محاسبه شده	شاخص‌های آماری	
۳۷۰	تعداد نمونه (n)	
۰/۵۳۳	محاسباتی r	خود آگاهی هوش عاطفی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig.)	

جدول ۶: بررسی همبستگی بین خود نظم دهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
خودنظم دهی هوش عاطفی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۴۴۲
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

جدول ۷: بررسی همبستگی بین انگیزش هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
انگیزش هوش عاطفی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۳۵۹
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

فرضیه ۶: بین همدلی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $0/01 < \text{Sig.} = 0/000 = \alpha$ )، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین همدلی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۵۰ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/25$ )، می‌توان گفت که ۲۵ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر همدلی از مؤلفه‌های هوش عاطفی می‌باشد.

فرضیه ۵: بین انگیزش هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $0/01 < \text{Sig.} = 0/000 = \alpha$ )، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین انگیزش هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۳۶ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/13$ )، می‌توان گفت که ۱۳ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر انگیزش از مؤلفه‌های هوش عاطفی می‌باشد.

جدول ۸: بررسی همبستگی بین همدلی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
همدلی هوش عاطفی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۵۰۱
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

جدول ۹: بررسی همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
مهارت‌های اجتماعی هوش عاطفی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۵۲۳
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

که  $(\text{Sig.} = 0/000 = \alpha < 0/01)$ ، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین استراتژی هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی  $0/44$  می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین  $(r^2 = 0/19)$ ، می‌توان گفت که ۱۹ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر استراتژی از مؤلفه‌های هوش فرهنگی می‌باشد.

فرضیه ۹: بین دانش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد  $(\alpha = 0/01)$ ، داده‌ها قویا فرض صفر  $(H_0)$  را رد و فرضیه پژوهش  $(H_1)$  را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که  $(\text{Sig.} = 0/000 = \alpha < 0/01)$ ، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین دانش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی  $0/50$  می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین  $(r^2 = 0/25)$ ، می‌توان گفت که ۲۵ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر دانش از مؤلفه‌های هوش فرهنگی می‌باشد.

جدول ۱۰: بررسی همبستگی بین استراتژی هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
استراتژی هوش فرهنگی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۴۳۹
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

فرضیه ۷: بین مهارت‌های اجتماعی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از بررسی نمونه‌ها که ریز آن در جدول ۹، موجود است، نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد  $(\alpha = 0/01)$ ، داده‌ها قویا فرض صفر  $(H_0)$  را رد و فرضیه پژوهش  $(H_1)$  را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که  $(\text{Sig.} = 0/000 = \alpha < 0/01)$ ، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین مهارت‌های اجتماعی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی  $0/52$  می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین  $(r^2 = 0/27)$ ، می‌توان گفت که ۲۷ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر مهارت‌های اجتماعی از مؤلفه‌های هوش عاطفی می‌باشد.

فرضیه ۸: بین استراتژی هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد  $(\alpha = 0/01)$ ، داده‌ها قویا فرض صفر  $(H_0)$  را رد و فرضیه پژوهش  $(H_1)$  را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا

جدول ۱۱: بررسی همبستگی بین دانش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
دانش هوش فرهنگی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۵۰۴
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

فرضیه ۱۱: بین رفتار هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $0/01 < \text{Sig.} = 0/000 = \alpha$ )، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین رفتار هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۶۴ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/40$ )، می‌توان گفت که ۴۰ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر رفتار از مؤلفه‌های هوش فرهنگی می‌باشد.

فرضیه ۱۰: بین انگیزش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد ( $\alpha=0/01$ )، داده‌ها قویا فرض صفر ( $H_0$ ) را رد و فرضیه پژوهش ( $H_1$ ) را مورد تایید قرار می‌دهند، چرا که ( $0/01 < \text{Sig.} = 0/000 = \alpha$ )، بنابراین می‌توان ادعا نمود رابطه معنادار مثبت بین انگیزش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان وجود دارد که مقدار این همبستگی ۰/۴۹ می‌باشد. از طرفی با احتساب ضریب تعیین ( $r^2=0/24$ )، می‌توان گفت که ۲۴ درصد از تغییرات کیفیت زندگی دانشجویان مربوط به متغیر انگیزش از مؤلفه‌های هوش فرهنگی می‌باشد.

جدول ۱۲: بررسی همبستگی بین انگیزش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
انگیزش هوش فرهنگی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۴۸۸
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

جدول ۱۳: بررسی همبستگی بین رفتار هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان

متغیرها	شاخص‌های آماری	مقادیر محاسبه شده
رفتار هوش فرهنگی	تعداد نمونه (n)	۳۷۰
	محاسباتی r	۰/۶۳۶
	سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه هوش عاطفی و هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری انجام شده است. در این پژوهش مؤلفه‌های هوش عاطفی شامل خودآگاهی، خودنظم‌دهی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های هوش فرهنگی شامل استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار بوده است که میزان ارتباط آنها با کیفیت زندگی تعیین گردید.

در بررسی فرضیه اول مشخص شد که بین هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش میزان هوش عاطفی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و بر عکس با کاهش میزان هوش عاطفی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های طباطبایی مزادآبادی (۱۳۹۴)، کروبسی و همکاران (۱۳۹۴)، حمید و زمستانی (۱۳۹۲) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های راکاستال و همکاران (۲۰۱۱)، مون (۲۰۱۰)، ترونی الکساندر و همکاران (۲۰۱۰)، فابیو دیوید (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت هوش عاطفی آنها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب بیشتر در امور مختلف زندگی مهارت‌های هوش عاطفی از جمله توانایی ارزیابی احساسات خود و سایر اطرافیان و تمایز قایل شدن بین احساسات و استفاده‌ی کارآمد از ارزیابی این اطلاعات را در تفکر و عمل، در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه دوم مشخص شد که بین هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش میزان هوش فرهنگی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با

کاهش میزان هوش فرهنگی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های حمید و زمستانی (۱۳۹۲)، رضانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، قره‌سفلو (۱۳۹۱) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های ترونی الکساندر و همکاران (۲۰۱۰)، فابیو دیوید (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت هوش فرهنگی آنها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب رضایت بیشتر از زندگی و ارتقا کیفیت آن، خود را با محیط‌های جغرافیایی مختلف که فرهنگ‌های خاص خود را دارند و تنوع فرهنگی در آنها زیاد است وفق داده و با حفظ فرهنگ خود به سایر فرهنگ‌ها احترام بگذارند.

در بررسی سوم مشخص شد که بین خودآگاهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش خودآگاهی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و بر عکس با کاهش میزان خودآگاهی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های کروبسی و همکاران (۱۳۹۴)، حمید و زمستانی (۱۳۹۲)، رضانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، رحیم‌نیا و مرتضوی (۱۳۸۹) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های راکاستال و همکاران (۲۰۱۱)، مون (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه‌ی تقویت خودآگاهی آنها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت‌های خودآگاهی هوش عاطفی از جمله تشخیص احساسات و عواطف در همان زمان که در

یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت انگیزش آن‌ها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت انگیزش هوش عاطفی از جمله توانایی هدایت احساسات در جهت هدف خاص برای تمرکز، توجه و ایجاد انگیزه را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه ششم مشخص شد که بین همدلی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش همدلی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان همدلی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های ضرغامی و همکاران (۱۳۹۱)، قره‌سفلو (۱۳۹۱)، محرم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰) و همکاران (۱۳۸۹) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های ترونی الکساندر و همکاران (۲۰۱۰)، فابیو دیوید (۲۰۱۰)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت همدلی آن‌ها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت همدلی هوش عاطفی از جمله توانایی همدلی با دیگران را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه هفتم مشخص شد که بین مهارت‌های اجتماعی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش مهارت‌های اجتماعی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان مهارت‌های اجتماعی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج

حال وقوع هستند و یا توانایی کنترل و اداره لحظه به لحظه احساس‌ها را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه چهارم مشخص شد که بین خودنظم‌دهی هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش خودنظم‌دهی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان خودنظم‌دهی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های حمید و زمستانی (۱۳۹۲)، رضانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، قره‌سفلو (۱۳۹۱)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های مون (۲۰۱۰)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت خودنظم‌دهی آن‌ها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت خودنظم‌دهی هوش عاطفی از جمله کنترل و اداره احساسات بر پایه خودآگاهی را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه پنجم مشخص شد که بین انگیزش هوش عاطفی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش انگیزش بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان انگیزش از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های کروی و همکاران (۱۳۹۴)، محرم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، رحیم‌نیا و مرتضوی (۱۳۸۹) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های ترونی الکساندر و همکاران (۲۰۱۰)، فابیو دیوید (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین

برای کسب و درک دانش فرهنگی از جمله برقراری ارتباط بین افکار فرهنگی خود و دیگران به کار می‌برند را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه نهم مشخص شد که بین دانش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش دانش هوش فرهنگی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان دانش هوش فرهنگی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های طباطبایی مزدآبادی (۱۳۹۴)، کروی و همکاران (۱۳۹۴)، حمید و زمستانی (۱۳۹۲)، رضانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، قره‌سفلو (۱۳۹۱)، محرم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، رحیم‌نیا و مرتضوی (۱۳۸۹)، در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های ترونی الکساندر و همکاران (۲۰۱۰)، فابو دیوید (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه‌ی تقویت دانش هوش فرهنگی آن‌ها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت دانش هوش فرهنگی از جمله درک تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی و جنبه‌های آن شامل شناخت سیستم‌های اقتصادی و قانونی، هنجارهای تعامل اجتماعی، عقاید مذهبی، ارزش‌های زیبایی‌شناختی و زبان‌های دیگر را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه دهم مشخص شد که بین انگیزش هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش انگیزش هوش فرهنگی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان انگیزش هوش

با پژوهش‌های محرم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های فابو دیوید (۲۰۱۰)، مون (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت مهارت‌های اجتماعی آن‌ها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت‌های اجتماعی هوش عاطفی از جمله هنر ارتباط با مردم به مقدار زیاد و یا مهارت کنترل و اداره احساسات دیگران را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه هشتم مشخص شد که بین استراتژی هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با افزایش استراتژی هوش فرهنگی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش میزان استراتژی هوش فرهنگی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های طباطبایی مزدآبادی (۱۳۹۴)، کروی و همکاران (۱۳۹۴)، رضانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، محرم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های راک‌استال و همکاران (۲۰۱۱)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه‌ی تقویت استراتژی هوش فرهنگی آن‌ها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت استراتژی هوش فرهنگی از جمله فرایندهایی که افراد



کیفیت زندگی، مهارت رفتار هوش فرهنگی از جمله سازگاری با آن دسته از رفتارهای کلامی و غیرکلامی که برای برخورد با فرهنگ‌های مختلف مناسب هستند را در خود تقویت نمایند.

پیشنهاد می‌گردد تقویت و برنامه‌ریزی لازم جهت نهادینه کردن هوش عاطفی و هوش فرهنگی به طریق مختلف در جامعه صورت پذیرد، به همین منظور شایسته است از ظرفیت‌های آموزش و پرورش و صدا و سیما در افزایش آگاهی و آشنایی اقشار مختلف جامعه از جمله دانش‌آموزان و والدین آنها استفاده شود؛ برگزاری سمینارها و همایش‌های علمی- پژوهشی با محوریت هوش عاطفی و هوش فرهنگی در سطح منطقه، ملی و بین‌المللی با دعوت از اندیشمندان، کارشناسان و صاحب‌نظران در دانشگاه آزاد؛ برگزاری سمینارها و جلسات توجیهی برای دانشجویان با دعوت از کارشناسان و متخصصان جهت آشنایی دانشجویان با تأثیرات هوش عاطفی و هوش فرهنگی بر سلامتی عمومی، روانی، کیفیت زندگی و آرایه راهکارهای عملی برای استفاده از ظرفیت‌های هوش عاطفی و هوش فرهنگی؛ افزایش ایفای نقش خانواده در بالا بردن بردباری در مقابل مشکلات، ایجاد اعتماد به نفس، پرورش اخلاق پسنندیده، کمک به رشد احساسات و عواطف، فروتنی و گذشت، راستگویی و صداقت، رعایت اصول مذهبی، چگونگی ارتباط با دیگران و انتخاب دوستان مناسب در جوانان و نوجوانان؛ عنایت هر چه بیشتر به بررسی ابعاد مختلف هوش عاطفی، هوش فرهنگی و سایر هوش‌های شناخته شده مانند هوش اجتماعی، معنوی و اقتصادی با انجام مطالعات و تحقیقات متناسب و متمرکز؛ به سایر پژوهشگران توصیه می‌شود: پژوهش‌های مشابه‌ای در دیگر مقاطع تحصیلی انجام گردد و نتایج با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود؛ این پژوهش در بین دانش‌آموزان همه دوره‌های تحصیلی و به تفکیک جنسیت

فرهنگی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های رضوانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، قره-سفلو (۱۳۹۱)، محرم زاده و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی کریمی و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، رحیم‌نیا و مرتضوی (۱۳۸۹) در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های راکاستال و همکاران (۲۰۱۱)، فایو دیوید (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت انگیزش هوش فرهنگی آنها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء کیفیت زندگی، مهارت انگیزش هوش فرهنگی از جمله میزان علاقه برای آموختن فرهنگ‌های دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف را در خود تقویت نمایند.

در بررسی فرضیه یازدهم مشخص شد که بین رفتار هوش فرهنگی با کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معنادار مثبت وجود دارد، یعنی با تقویت رفتار هوش فرهنگی بر میزان کیفیت زندگی افزوده می‌شود و برعکس با کاهش در رفتار هوش فرهنگی از میزان کیفیت زندگی کاسته می‌شود. نتایج با پژوهش‌های رضوانی و نظریان مادوانی (۱۳۹۲)، قرسفلو (۱۳۹۱)، محرم زاده و همکاران (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)، در داخل کشور و نتایج پژوهش‌های مون (۲۰۱۰)، فایو دیوید (۲۰۱۰)، چامپن (۲۰۰۹)، ون دریل (۲۰۰۸)، ون داین و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور هم‌سو است. بنابراین یکی از روش‌های افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، افزایش مهارت‌های لازم در زمینه تقویت رفتار هوش فرهنگی آنها است. بنابراین، به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد جهت کسب موفقیت‌های بیشتر در امور مختلف زندگی و ارتقاء

استان تهران. نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، ۲۲(۸)، پاییز و زمستان، ۷۸-۶۷.

رقیبی، مهوش. ۱۳۸۷. بررسی رابطه هوش هیجانی مدیران متوسطه با اثربخشی مدیریتی آنان (براساس مدل پارسونز) در شهر زاهدان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

رمضانی، علیرضا و نظریان مادوانی، عباس. ۱۳۹۲. ارتباط بین هوش هیجانی، آمادگی جسمانی و کیفیت زندگی دانشجویان. پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۲(۲)، تابستان، ۹۸-۸۵.

سبحانی شه میرزادی، مریم. ۱۳۹۰. مقایسه سلامت روان و کیفیت زندگی مادران دارای کودکان دچار کاهش رشد و مادران دارای کودکان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

سلطانی شال، رضا، کارشکی، حسین، آقامحمدیان شهرباف، حمید رضا، عبدخدایی، محمدسعید، بافنده، حسین. ۱۳۹۰. بررسی روایی و پایایی پرسشنامه کیفیت زندگی در مدرسه در مدارس شهر مشهد.

مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۹(۱)، ۹۳-۷۹. سلطانی فر، عاطفه. (۱۳۸۶). هوش هیجانی. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال نهم، ۳۵ و ۳۶: ۹۳-۸۴.

ضرغامی، مهران، خادم‌لو، محمد، شیخ مونسی بهروزی، بهرنگ. ۱۳۹۱. بررسی وضعیت رضایت از کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی و منابع طبیعی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۲(۸۹)، خرداد.

طباطبایی مزدآبادی، محسن. ۱۳۹۴، بررسی نقش هوش هیجانی و هوش فرهنگی در گرایش به تحول سازمان، دوفصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، سال سوم، شماره هفتم، بهار و تابستان، صص ۱۱۶-۱۰۵.

قره‌سفلو، حمید. ۱۳۹۱. بررسی رابطه هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان. نخستین همایش سالانه علوم مدیریت نوین، واقع در آدرس اینترنتی:

اجرا گردد و نتایج آن با نتایج حاصل از این پژوهش مقایسه گردد، همچنین این پژوهش با ابزارهای اندازه‌گیری متفاوت و روش‌هایی نظیر مشاهده و مصاحبه در کنار پرسشنامه بررسی شود.

## منابع و مأخذ

ردبار، غلامرضا و کنجکاو مفرد، امیررضا. ۱۳۹۰. بررسی نقش هوش عاطفی در راهبردهای مدیریت منابع انسانی. دو ماهنامه‌ی توسعه‌ی انسانی پلیس، سال هشتم، ۳۴، ۱۴۵-۱۲۱.

تاجی، مرتضی. ۱۳۸۶. مقایسه‌ی هوش عاطفی ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی پسران شرکت کننده در هشتمین المپیاد دانش آموزان مدارس کشور. رساله‌ی کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

ترابی، منوچهر. ۱۳۸۲. بررسی رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد مدیران گروه هتل‌های هما. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

حاجی کریمی، عباسعلی، رضاییان، علی، هادی زاده مقدم، اکرم، بنیادی نائینی، علی. ۱۳۹۰. بررسی تاثیر شایستگی‌های هوش عاطفی، شناختی و اجتماعی در شایستگی‌های مدیران منابع انسانی بخش دولتی ایران. اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، ۱، ۲۵۴-۲۲۳.

حمید، نجمه. زمستانی، مهدی. ۱۳۹۲. رابطه هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی، مجله پزشکی، هرمزگان، سال هفدهم، شماره چهارم، مهر و آبان، صفحات ۳۵۵-۳۴۷.

رحیم‌نیا، فریبرز، مرتضوی، سعید و دلارام، طوبی. ۱۳۸۹. میزان تأثیر هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه‌ای مدیران (مورد مطالعه: شعب بانک اقتصاد نوین

- Chun-sheng, Y., Ron, M., Sardesai, J. L., & Jing-Hua, Z. (2006). Relationship of emotional intelligence with conflict management styles: an empirical study in china. The central University of Finance and Economics, 39 Xueyan Nan Lu, Haidan District, Beijing.
- Di Fabio, A., & Blustein, D. (2010). Emotional intelligence and decisional conflict styles: Some empirical evidence among Italian high school students. *Journal of Career Assessment*, 18, 71-81.
- Earley, P.C., & Ang, S. (2003). 'Cultural intelligence: Individual interactions across cultures. Stanford University Press, Palo Alto.
- Earley, P.C., & Mosakowski, E. (2005). 'Best practice: Cultural intelligence'. *Harvard Business Review*, 82(10), 139-146.
- Foo, D. (2010). The Role of Personality in the Career Decision-Making Difficulties of Italian Young Adults. *Journal of Career Assessment* 1069072714535031, first published on May 21.
- Gardner, K., & Qualter, P. (2009). Emotional intelligence and borderline personality disorder. *Personality and Individual Differences*, 47, 94-98.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*, N. Y. Bantam Books.
- Goleman, D.C. (1998). What Makes A Leader? *Harvard Business Review*, 33, 194-210.
- got to do with it? *Personality and Individual Differences*, 44, 1684-1695.
- Kafetsios, K., & Zampetakis, L. (2008). Emotional intelligence and job satisfaction: Testing the mediatory role of positive and negative affect at work. *Personality and Individual Differences*, 44, 710-720.
- Langhorn, S. (2004). How emotional intelligence can improve management performance. *International journal of contemporary hospitality management*, 16(4), 220-230.
- Mayer, J.D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2000). Emotional intelligence as zaitgeist. as personality, and as a mental ability. In Bar-on, R., & Parker, J.D.A. *The handbook of emotional intelligence: theory, development, assessment, and application at home, school, and in the work place*. San Francisco: Jossey-Bass, 92-117.
- Mayer, R.C., & Schoorman, F.D. (1992). Predicting Participation and Production Outcomes Through a Two-Dimensional Model of Organizational Commitment. *Academy of Management Journal*, 35(3), 671-684.
- Moon, T. (2010). Emotional intelligence correlates of the four-factor model of cultural intelligence. *Journal of Managerial Psychology*, 25(8): 876-898.
- [http://www.civilica.com/Paper-CMMS01-CMMS01\\_083.html](http://www.civilica.com/Paper-CMMS01-CMMS01_083.html)
- کرمان ساروی، فتیحه و حسین زاده، شیرین. ۱۳۸۸. مقایسه کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه دار شهر زاهدان. دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، مرکز تحقیقات ارتقاء سلامت.
- کروبی، مهدی. هادی نژاد، ارغوان. تقویان نوغان، احمد. ۱۳۹۴، بررسی رابطه هوش فرهنگی و هوش عاطفی راهنمایان تورهای خارجی شهر تهران، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال چهارم، شماره ۱۵ زمستان، صص ۲۴-۴۱.
- محرم زاده، مهرداد، سید عامری، میر حسن و سعیدی، شیدا. ۱۳۹۰. ارتباط مؤلفه‌های پنج‌گانه هوش عاطفی و راهبردهای مدیریت تعارض در میان مدیران ادارات تربیت بدنی استان آذربایجان غربی. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۵، ۶۳-۷۶.
- مختاری پور، مرضیه و سیادت، سید علی. ۱۳۸۴. مدیریت و رهبری با هوش هیجانی. *مدیریت تدبیر*، ۱۶۵، ۲۰-۱۸.
- مومچی، الناز. ۱۳۸۸. رابطه بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر تهران.
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- Ang, S., Van Dyne, L., Koh, C., & Ng, K.Y. (2005). 'The measurement of cultural intelligence'. Paper presented at the 2005 Academy of Management Meetings Symposium on Cultural Intelligence in the 21st Century, New Orleans, LA, 23-24 August.
- Bar-On, R., & Parker, A. (2000). Emotional and Social Intelligence: Insights from the Emotional Quotient inventory. *The Handbook of Becker, T. E. (1992), Foci and Bases of Commitment: are They Distinctions Worth Making? Academy of Management Journal*, 35(5), 232-244.
- Chapman, D. (2009). Emotional intelligence and conflict management style among Christian clergy. *Clergy: Occupational psychology*.

## یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Mayer & Schoorman
  - <sup>2</sup> Goleman
  - <sup>3</sup> ChunSheng et al
  - <sup>4</sup> Tan. J
  - <sup>5</sup> Foo
  - <sup>6</sup> Sivanathan and Fekken
  - <sup>7</sup> Langhorn
  - <sup>8</sup> Schutte et al.
  - <sup>9</sup> Gardner K, Qualter P
  - <sup>10</sup> Zeidner M, Kaluda I
  - <sup>11</sup> Kafetsios K, Zampetakis L
  - <sup>12</sup> Mayer et al
  - <sup>13</sup> Consciousness
  - <sup>14</sup> Their management
  - <sup>15</sup> Empathy
  - <sup>16</sup> Social Skills
  - <sup>17</sup> Self motivation
  - <sup>18</sup> Mosakowski
  - <sup>19</sup> Thomas, DC. & Inkson
  - <sup>20</sup> Ng & Earley
  - <sup>21</sup> Thomas & Inkson
  - <sup>22</sup> Rockstuhl et al
  - <sup>23</sup> Moon
  - <sup>24</sup> Troy Alexander
  - <sup>25</sup> Fabio and David
  - <sup>26</sup> Chapman, David
- Ng, K.Y., & Earley, C.P. (2006). 'Culture and intelligence: Old constructs, new frontiers'. *Group and Organization Management*, 31(1), 4-19.
- Rockstuhl, T., Seiler, S., Ang, S., Van Dyne, L. and Annen, H. (2011). Beyond general intelligence (IQ) and emotional intelligence (EQ): The role of cultural intelligence (CQ) on cross-border leadership effectiveness in a globalized world, *Journal of Social Issues*, 67(4): 825-840.
- Schutte, N.S., Malouff, J.M., Thorsteinsson, E.B., Bhullar, N., & Rooke, S.E. (2007). A meta-analytic investigation of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences* 42(6), 921-933.
- Sivanathan, N., & Fekken, G.C. (2002). Emotional intelligence, moral reasoning and transformational leadership. *Leadership & Organization Development Journal*, 23(4), 198-204.
- Slaski, M., & Cartwright, S. (2003). Emotional Intelligence Training and Its Implications for Stress, Health and Performance. *Stress and Health*, 19(4), 9-233.
- Tan, J. (November/December 2004). Cultural Intelligence and the Global Economy. *LIA*, 24(5), 19-21.
- Thomas, D.C., & Inkson, K. (2004). 'Cultural intelligence: People skills for global business'. *C2 Consulting to management*, 16(1), 5-9.
- Troy, A., Caldwell, J., Gonzalez, M., Harvey, D., Bradford, N., Rodgers, C., & Washer, A. (2010). The Role Of Emotional Intelligence (EI) In project Management Over the Next Five Years, organizational asseleation.
- Van Driel, M. (2008). Cultural Intelligence as an Emergent Organizational Level Construct. *Florida Institute of Technology*, 307.
- Van, D. (2005). Personality correlates of the four-factor model of cultural intelligence, *Group & Organization Management*, 31(1), 100-123.
- Van, D., Ang, S.L., Koh, C., Ng, K.Y., Templer, K.J., Tay, C., & Chandrasekar, N.A. (2007). Cultural Intelligence: Its measurement and Effects on Cultural Judgment and Decision Making, Cultural Adaptation, and Task Performance. *Management and Organization Review*, 3, 335-371.
- Zeidner, M., & Kaluda, I. (2008). Romantic Love: What's Emotional Intelligence (EI).